

زنان، نظام آموزش عالی کشور و اشتغال^۱

محمد رضا ایروانی^۲

چکیده:

در عصر حاضر سرمایه انسانی، افزایش سطح تحصیلات و استفاده بهینه از نیروهای توانمند اهمیتی بیش از گذشته یافته است. طی چهل سال اخیر، مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی، امکانات و شرایط تحصیلی بیشتری برای زنان فراهم گردیده و عملاً در نگرش جامعه نسبت به ادامه تحصیل زنان تغییراتی به وجود آمده است. افزایش تعداد زنان تحصیل کرده و افزایش سن ازدواج موجب کاهش مولید و ارتقاء فرهنگ جامعه را به دنبال داشته است؛ اما بر اساس امار موجود در سه دهه اخیر، عملاً از میزان اشتغال زنان کاسته شده است. افزایش بار تکفل و توسعه خط فقر در جامعه را می توان از جمله پیامدهای سوء کاهش اشتغال زنان به شمار آورد. تغییر و تحول اشتغال زنان در بخشهای مختلف اقتصادی جامعه به گونه ای بوده است که بیشترین نسبت کاهش اشتغال زنان در بخش صنعت مشاهده می شود. علاوه بر آن، با توجه به افزایش تعداد فارغ التحصیلان زن از مراکز آموزش عالی کشور، عملاً پدیده تبعیض جنسی در بازار کار حاصل گردیده است. به نسبت افزایش سطح تحصیلات زنان، شرایط لازم برای ارتقاء مدیریتی و اشتغال در پست های حساس مملکتی نیز به وجود نیامده است.

واژگان کلیدی: پایگاه شغلی، جمعیت فعال، میزان عمومی فعالیت زنان، مشارکت زنان، دیدگاه فمینیستی.

مقدمه

چنانچه فعالیت اقتصادی زنان از بعد نیروی انسانی، و سهم مؤثر آن در توسعه اقتصادی اجتماعی کشور مطالعه شود اهمیت مشارکت این بخش قابل توجه جمعیت کشور و لزوم فراهم آوردن زمینه های گسترش مشارکت زنان در عرصه های مختلف حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران آشکار تر می شود.

سهم حدود ۹ درصدی زنان فعال از نظر اقتصادی (طبق آمار سر شماری سال ۱۳۷۵) به خودی خود منعکس کننده ی میزان اندک مشارکت اقتصادی اجتماعی زنان در مقایسه با مردان در جامعه در حال توسعه ایران است و در حالی که میزان توسعه اقتصادی (به عبارتی بهره گیری مناسب از نیروی انسانی) زنان همگام با اهداف توسعه در

۱. این مقاله از طرح تحقیقاتی تحت همین عنوان استخراج شده است

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

کشورهای پیشرفته صنعتی شاخصی از توسعه یافتگی است، به نظر می‌رسد که اشتغال زنان در محیط خارج از خانه در ایران هنوز با بعضی سوء تعبیرها، انتقادات، پیشداوری‌ها و شبهاتی در سطح جامعه ایرانی همراه است. گذشته از تاثیر عواملی چون بحران‌های اقتصادی، بیکاری، شرایط نا برابر اشتغال زنان و مردان در بازار کار ایران که اثرات مستقیمی بر محدودیت میزان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ایران باقی گذاشته است، می‌توان به وجود برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی دیگر نظیر تعبیر خاصی از نقش شغلی زنان، نگرش‌های منفی و پنداشت‌های ویژه درباره فعالیت زنان اشاره کرد که موانعی در راه تحقق و گسترش زمینه‌های همکاری زنان تلقی می‌گردند. نگارنده در این مقاله با تکیه بر برخی از تاملات نظری و یافته‌های تحقیق تجربی به بررسی این موانع می‌پردازد.

روش جمع آوری اطلاعات

برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردیده است.

روش تحقیق:

روش تحقیق بکار رفته در این تحقیق میدانی بوده، و برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است.

جامعه مورد مطالعه

مناطق ده گانه شهر اصفهان جامعه مورد مطالعه این تحقیق می‌باشد.

جامعه آماری:

زنان متأهل شاغل و غیرشاغل شهر اصفهان جامعه آماری این تحقیق می‌باشد.

جمعیت نمونه:

۴۵۰ نفر از زنان متأهل شاغل و غیرشاغل شهر اصفهان

تعیین حجم نمونه:

حجم نمونه به طور تصادفی مشخص گردیده است.

وسایل آماری مورد استفاده:

از وسایل آماری نظیر جداول توزیع فراوانی یک بعدی و دو بعدی و سه بعدی فی دو (χ^2) و ضریب توافق (Pt) و همچنین درصد گیری و بعضی فرمولهای جمعیت شناسی نظیر میانه، میانگین، میزان عمومی فعالیت، میزان اشتغال، بار تکفل و غیره استفاده گردیده است.

فرضیات تحقیق:

- ۱- بین اشتغال زنان و درآمد آنان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین اشتغال زنان و سن ازدواج آنان رابطه معنی داری وجود دارد؟
- ۳- بین اشتغال زنان و میزان مشارکت در امور اجتماعی- فرهنگی آنان رابطه معنی داری وجود دارد؟
- ۴- بین تحصیلات زنان و اشتغال آنان رابطه معنی داری وجود دارد؟

پیشینه تحقیق:

مطالعات انجام شده در برزیل در حوزه مهارت و پیشرفت و آموزش نشان می دهد که در ارزیابی کار مردان و زنان از طریق آزمون، مشخص شده است که کارگران مرد رسیدن به سلسله مراتب شغلی بالا را مدنظر قرار می دهند و در واقع می خوانند از موقعیتی به موقعیت دیگر حرکت کنند. در حالی که زنان به طور ثابت در مراحل پایین سلسله مراتب شغلی می مانند. این امر به صورت است که مردان تجربه و آموزش می بینند و زنان نمی توانند این ها را کسب کنند. عوامل مهارت و آموزش و پیشرفت می تواند چشم اندازی برای آینده مردان باشد [۱۸].

پژوهش ها در این زمینه بیانگر این نکته هستند که در همه جوامع، نقش اصلی برای زنان، نقش مادری و همسری است. از این رو، با اصل قرارداد این نکته، مسائل دیگری چون اشتغال آنها، نقش درجه دوم به خود می گیرد. امکان یافتن شغل برای دختران و زنان متأثر از عوامل مختلفی از جمله نحوه اجتماعی شدن آنها است. آنها از همان کودکی می آموزند که در کسب موقعیت ها و امتیازات اجتماعی با پسران یکی نیستند.

طرح مسئله

بنابر آمارهای رسمی که از سوی مرکز آمار ایران منتشر می شود با توجه به فراز و نشیبی که طی سرشماری های دهه های اخیر در آن به چشم می خورد میزان مشارکت اقتصادی زنان ایرانی در مقایسه با میزان مشارکت زنان در کشور های صنعتی توسعه یافته و حتی برخی از کشورهای در حال توسعه در حد بسیار پائینی قرار دارد.

جدول شماره ۱: نسبت زنان فعال و غیر فعال اقتصادی در سرشماری های کشور در دوره سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۵ [۱۵]

سال	جمعیت زنان ده ساله و بیشتر (۱۰۰۰)	جمعیت فعال اقتصادی %			جمعیت غیر فعال اقتصادی		
		کل	شاغل	بیکار	کل	در حال تحصیل	خانواری بدون کار
۱۳۲۵	۶۲۴۲	۹/۲	۹/۲	۰	۹۰/۸	۳/۰	۷۹/۵
۱۳۴۵	۸۲۰۶	۱۲/۶	۱۱/۵	۱/۱	۷۸/۴	۷/۴	۷۳/۳
۱۳۵۵	۱۱۲۰۶	۱۲/۹	۱۰/۸	۲/۱	۸۷/۱	۱۴/۸	۶۸/۸
۱۳۶۵	۱۶۰۳۳	۸/۲	۶/۱	۲/۱	۹۱/۱	۱۶/۶	۶۸/۷
۱۳۷۵	۲۲۳۷۹	۹/۱	۷/۹	۱/۲	۸۹/۹	۲۶/۶	۵۸/۴

در کل به نظر می رسد زندگی زنان در جامعه ایرانی تا حدود زیادی از رفتار، طرز تفکر و نگرش مردان پیرامونشان متأثر می شود. خواه پدر خانواده باشد که بر میزان و نوع تحصیلات دخترش و یا ازدواج (غالباً زودرس) او ناظر است ، خواه شوهر که نظرش بر ادامه تحصیل همسر ، دامنه فعالیت اجتماعی و احراز شغل همسرش یا عدم آن می تواند تعیین کننده باشد ، به ویژه که در قوانین ایران شوهر قادر است (چنان چه آن را به مصلحت خانواده تشخیص ندهد) جلوگیری کند. با حاکمیت چنین شرایطی طبیعتاً می توان انتظار داشت که امر اشتغال به کار زنان و گسترش فعالیت های اقتصادی، اجتماعی آن ها از چگونگی رأی و نظر پدران و شوهرانشان تأثیر پذیرد. به این ترتیب طبعاً موافقت یا مخالفت مردان خانواده با فعالیت شغلی دختران یا زنانشان در کنار بسیاری از عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر ممکن است عامل مؤثر فرصت های زنان را برای ورود به بازار کار ، باقی ماندن و ادامه فعالیت و نیز دستیابی به مناصب شغلی بالاتر ، گسترده یا محدود تر کند .

جدول شماره ۲: سهم زنان از جمعیت شاغل (به درصد) در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر [۱۵]

کشور های صنعتی			کشور های در حال صنعتی شدن		
کشور	سال	در صد زنان	کشور	سال	درصد زنان
مصر	۱۹۸۴	۱۸/۷	اتریش	۱۹۸۷	۴۰/۱
هند	۱۹۸۱	۲۵/۹	کانادا	۱۹۸۶	۴۲/۹
اندونزی	۱۹۸۵	۳۵/۹	فرانسه	۱۹۸۷	۴۳/۳
کره جنوبی	۱۹۸۷	۳۹/۹	آلمان غربی	۱۹۸۷	۳۹/۵
پاکستان	۱۹۸۰	۳/۷	ایتالیا	۱۹۸۷	۳۶/۴
تونس	۱۹۸۴	۲۱/۳	ژاپن	۱۹۸۵	۳۸/۶
ترکیه	۱۹۸۰	۳۰/۰	سوئد	۱۹۸۷	۴۸/۷
ایران	۱۹۸۸	۹/۰	ایالات متحده	۱۹۸۷	۴۵/۵

شمار فزاینده دانشجویان زن در سطوح مختلف تحصیلات عالی در کشور [۵] فرصت های ورود به فعالیت شغلی را برای زنان و دختران تسهیل می کند. این پدیده ای است که طی سال های اخیر در کشور انگلستان عملاً تجربه شده است (آناندل و هانت ۲۰۰۰)

هنگامی که زنان ایرانی از این مانع اجتماعی که نداشتن آموزش و تحصیلات کافی جهت احراز مناصب و پایگاه های شغلی بالا تر است عبور می کنند با موانع اجتماعی و فرهنگی دیگری از قبیل ترجیح کار فرمایان برای استخدام مردان بر زنان و تبعیض های جنسیتی و از این قبیل روبرو می شوند.

میزان مشارکت زنان ایران در فعالیت های اقتصادی و تولیدی در پانزده سال گذشته کاهش یافته است. در فاصله سال های ۱۳۵۵-۷۰ با وجود افزایش حجم زنان فعال از ۱/۴۴۹ هزار نفر به ۱/۶۳۰ هزار نفر میزان مشارکت زنان در اقتصاد کشور به دلیل موانع ساختاری بازار کار از ۱۲/۹ به ۸/۷ درصد سقوط کرده است. این نزول مغایر با سرمایه گذاری سنگینی است که طی این مدت در زمینه ارتقاء سواد زنان ۶ ساله و بیشتر از ۳۵/۵ درصد به ۶۷/۱

درصد صورت گرفته است. شمار زنان منتفع از تحصیلات عالی در جمعیت غیر محصل از ۷۵ هزار نفر به ۲۵۸ هزار نفر و زنان منتفع از تحصیلات دبیرستان از ۳۰۶ هزار نفر به ۱/۷۰۳ هزار نفر افزایش یافته است. این داده ها نشان می دهد که شرایط و امکانات لازم برای استفاده از سرمایه گذاری های انجام شده در زمینه منابع انسانی حداقل در مورد زنان فراهم نشده و نمی توان انتظار داشت که بهره وری از نیروهای کار زنان با افزایش این نوع سرمایه گذاری ارتقاء یابد.

مسئله نگرش فرهنگی مردم ما به کار و شغل زن نیز مسئله مهمی است که باید در رابطه با ((توسعه پایدار)) مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در فیلم های نمایشی و کتاب های درسی و به طور کلی در رسانه های گروهی الگو های فرهنگی مناسبی در حوزه اشتغال زنان ارائه نمی شود. اصلاح نگرش فرهنگی جامعه به کار زن چه در حوزه تولید و چه در حوزه های دیگر مانند خدمات اجتماعی می تواند جایگاه زنان را در عرصه ی کار و تولید ارتقاء بخشد. بعد از انقلاب اسلامی به آموزش زنان خصوصاً آموزش عالی آنها توجه بسیار شده است. آمار بدست آمده بیانگر این ادعا است که در سال تحصیلی ۱۳۸۰ پذیرفته شدگان زن با ۶۰ درصد قبولی از سهم بیشتری نسبت به مردان برخوردار بوده اند که این نشانه رشد فکری و اجتماعی و توان بالقوه زیاد این قشر از جامعه است. با توجه به افزایش پذیرفته شدگان زن در دانشگاهها، طبیعی است که باید با برنامه ریزی های صحیح امکان استفاده از این نیروی عظیم فراهم گردد.

با توجه به روند رو به افزایش تعداد پذیرفته شدگان زن در سال های آتی به نظر می رسد که از یک طرف فرصتی استثنائی برای جامعه به منظور کشف و بهره برداری از این استعداد ها فراهم شده و از طرف دیگر در صورت عدم برنامه ریزی و استفاده صحیح، بحران اشتغال دیگری قریب الوقوع است. نادیده انگاشتن کار و فعالیت اقتصادی زنان یعنی کار زدن نیمی از جمعیت فعال اقتصادی کشور از عرصه کار و فعالیت، و بدون توجه به این اصل مهم، رسیدن به سازندگی و شکوفا نمودن اقتصاد کشور و دست یافتن به اصول مهم توسعه ممکن نخواهد بود. اهمیت و ضرورت این مهم، تحقیق و مطالعات زیادی را می طلبد که مورد استفاده اقتصاددانان، برنامه ریزان، مدیران توسعه و دست اندرکاران امر قرار گیرد چرا که هیچ برنامه ریزی بدون تحقیق اصولی و پایه ای به نتیجه نخواهد رسید.

زنان و آمار مربوط به جمعیت فعال

آمار جهانی مربوط به جمعیت فعال در مورد زنان نیز اشتباه انگیز است. آمار مربوط به جمعیت فعال زنان ۶۴-۱۵ سال برای آمریکای شمالی ۵۰٪، اروپا ۴۳٪، خاور دور ۵۳٪، آسیای جنوبی ۳۶٪ و آفریقا ۴۲٪ و آمریکای لاتین ۲۵٪ است.

کاهش این ارقام برای جهان سوم بدان علت است که زنان این منطقه بدون آنکه مزدی به آنان داده شود کار می کنند و یا فعالیت آنها مزد کمی برای آنان فراهم میکند (کار خانه، کار هنری، تولید مواد غذایی برای مصرف خود خانوار...) این امر ناشی از آن است که مفهوم کار اغلب منحصر به کاری است که دستمزدی برای آن معین و پرداخت گردد و دیگر اشکال فعالیت در این تعریف نمی گنجد و کار شناخته نمی شود و در نتیجه در آمار فقط کاری به حساب می آید که در برابر پولی باشد.

تحقیقات نشان می دهد که اگر به جای پرسیدن از زنان و مردان راجع به فعالیتشان، فن به کار برده شده در تحقیق مشاهده مشارکتی باشد آمار دگرگونی خواهد پذیرفت. پژوهشهایی که در مؤسسات تحقیقاتی در اروپا و آمریکا و همچنین توسط سازمانهای بین المللی مانند UNESCO (سازمان تربیتی - علمی - فرهنگی ملل متحد) و BIT (دفتر بین المللی کار) و FAO (سازمان خوار و بار جهانی) در حوزه علوم اجتماعی به عمل آمده است سبب شده است که کار زنان و به خصوص زنان کشاورز که تا به حال ندیده تلقی می شد به صورت مرئی در آید. زنان کشاورز که بیش از ۱۲ ساعت در روز در مزرعه، اطراف خانه یا دور از خانه کار می کردند غیر فعال قلمداد می شدند با توجه به این هدف که توسعه از بین بردن فقر مطلق است و از آنجا که فقر زنانه شده است امروز نیز هدف زنانه نمودن توسعه است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز موقعیت زنان را به طور محسوسی تغییر داد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن زن نمی تواند رئیس جمهور شود [۷]، زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق یکسانی برخوردارند. در اصل بیستم آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

با وجود تمام پیشرفت ها و موفقیت هایی که زنان تا کنون در جهت ایفای صحیح نقش خویش در خانه به عنوان مادر و همسر و در جامعه به عنوان عضو فعال و مفید و برابر با مردان در فعالیت های تولیدی و اقتصادی داشته اند اما هنوز هم در عمل تبعیضات و نابرابری هایی در رابطه با فعالیت زنان در خارج از خانه وجود دارد که امید است با آگاهی هرچه بیشتر زنان به نقش خویش و اتخاذ برنامه های صحیح در سیاست گذاری های جدید از بین رفته و زنان بتوانند نیروهای بالقوه خویش را به صورت بالفعل در آورده و در جهت پیشرفت خود و شکوفایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ایفا نمایند.

امروزه میزان اشتغال زنان از ملاکهای توسعه و توسعه نیافتگی، خصوصاً در بخش های فعالیت صنعتی می باشد. عواملی نظیر هنجارهای ناصحیح فرهنگی، قوانین اجتماعی نادرست و نا عادلانه، عدم تسهیلات و امکانات لازم برای مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی می تواند منجر به عدم فعالیت زنان و در نتیجه سنگینی بار تکفل گردد.

جدول شماره ۳ نشان می دهد با وجود افزایش حدود ۹/۷۹۱ میلیون نفر به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در خلال سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت فعال تا سال ۱۳۵۵ افزایش و در طول دهه ۶۵-۵۵، ۹/۸ درصد کاهش یافته است. ترکیب شاغل و بیکار جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر مبین آن است که شاغلین در دهه ۶۵-۵۵، ۹/۶ درصد کاهش یافته است. به عبارتی از ۱/۲ میلیون نفر شاغل زن در سال ۱۳۶۵ به ۹۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. یعنی در دهه اخیر (۶۵-۱۳۵۵) شاهد کاهش قریب ۲۳۷ هزار ظرفیت شغلی در بین زنان هستیم. و این در حالی است که تعداد زنان بیکار در فاصله مذکور ۱/۴ برابر شده است. از این رو سیر صعودی نرخ بیکاری زنان با توجه به کاهش جمعیت فعال در سال ۱۳۶۵ به ۲۵/۵ درصد رسیده است. که با توجه به اینکه نرخ بیکاری در کشور ۱۴/۲ درصد است رقابت سطح بیکاران در زنان به صورت بارزی مشخص است. افزایش جمعیت غیر فعال را عمدتاً افزایش محصلین و خانه داران توجیه کرده است که این مسئله جای تعمق بیشتری دارد. از طرفی میزان فعالیت یا نرخ مشارکت در جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر زنان که عبارتست از جمعیت فعال به کل جمعیت و همچنین سهم زنان شاغل از کل شاغلین افزایش نرخ را تا سال ۱۳۵۵ و کاهشی در حدود ۵٪ را در سال ۱۳۶۵ نشان می دهد. به این ترتیب

به اعتبار داده های موجود در فاصله ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ نه تنها برای زنان کشور فرصت های جدید شغل ایجاد نشده بلکه از ظرفیت موجود در سال ۱۳۵۵ آنها نیز کاسته شده است.

جدول شماره ۳: جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان بر حسب فعالیت در سر شماری های مختلف هزار نفر [۱۵]

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال			نرخ بیکاری	جمعیت غیر فعال			میزان فعالیت (نرخ مشارکت)	سایر	
		جمع	شاغل	بیکار		محصل	خانه دار	درآمد بدون کار			سایر
۱۳۳۵	۶۲۴۲	۵۷۶	۵۷۳	۳	۵۶۶۶	۱۸۶	۲۹۶۴	-	۵۱۶	۹/۲۲	۹/۷
۱۳۴۵	۸۲۰۶	۱۰۲۳	۹۴۴	۹۰	۷۱۷۲	۶۱۰	۶۰۱۷	-	۵۴۵	۱۲/۶	۱۳/۳
۱۳۵۵	۱۱۲۰۶	۱۴۴۹	۱۲۱۲	۲۳۷	۹۷۷۵	۱۶۶۴	۷۷۰۷	۲۴۰	۱۴۶	۱۲/۹	۱۳/۸
۱۳۶۵	۱۶۰۳۳	۱۳۰۷	۹۷۵	۳۳۳	۱۴۷۲۵	۲۶۵۹	۱۱۰۱۱	۱۳۵	۹۲۰	۸/۲	۸/۹
۱۳۷۵	۲۲۳۷۹	۲۰۳۷	۱۷۶۵	۲۷۲	۲۰۱۲۴	۵۹۵۵	۱۳۰۷۳	۳۶۲	۷۳۳	۸/۱	۸/۸

میزان عمومی فعالیت زنان

در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ تعداد زنان ۱۰ ساله و بالاتر با رشدی به طور متوسط معادل ۳/۷ در سال از ۱۱/۲ میلیون نفر به ۱۶ میلیون نفر رسید که زنان فعال در این مجموعه به ترتیب ۴/۱ میلیون نفر (۱۲/۹ درصد) و ۱/۳ میلیون نفر (۸/۲ درصد) بودند. میزان عمومی فعالیت زنان با کاهش به طور متوسط ۱ درصد در سال همراه بوده که با توجه به ثابت بودن نسبت زنان جویای کار میزان کاهش اشتغال زنان به مراتب بیشتر است. در همین زمان میزان فعالیت مردان به طور متوسط ۳/۲ درصد در هر سال رشد یافته است. زنان غیر فعال از ۹/۸ میلیون نفر (۸۷/۱ درصد زنان ده ساله و بالاتر) به ۱۴/۷ میلیون نفر (۹۱/۸ درصد زنان ده ساله و بالاتر) رسیدند.

از هر ۱۰۰ زن ده ساله و بالاتر ۹۱ زن هیچگونه نقشی در فعالیت های اقتصادی ایفاء نمی کنند صاحب درآمدی نیستند به یکی از اساسی ترین با توجه به اینکه زنان دارای درآمد بدون کار در این مجموعه سهم اندکی دارند (۰/۸ درصد زنان ده ساله و بالاتر) و علل افزایش بار تکفل در سالهای اخیر دست می یابیم. جدول شماره ۵ [۱۵] نشان دهنده میزان عمومی فعالیت زنان ده ساله و بالاتر و همچنین نسبت عمومی فعالیت زنان ده ساله و بالاتر خواهد بود. در طی ده سال بیشتر از ۹/۷ درصد از میزان فعالیت عمومی زنان به مطلق کاسته شده است.

جدول شماره ۴: سهم نیروی کار زنان در جهان در سال ۱۹۸۸/۱۷]

شرح	تعداد	نرخ مشارکت
کشور های در حال توسعه	—	۳۲/۱
کم توسعه ترین کشور ها	—	۲۸/۲
آفریقای جنوب صحرا	—	۳۷/۸
کشور های صنعتی	—	۴۱/۱
جهان	۱۳۰	۳۴/۲
توسعه انسانی پایین	۴۴	۲۶/۵
توسعه انسانی پائین بااستثنای هند	۴۳	۲۷/۶
توسعه انسانی متوسط	۴۰	۳۶/۸
توسعه انسانی متوسط بااستثنای چین	۳۹	۲۹/۲
توسعه انسانی بالا	۴۶	۳۸/۸
کشورهایی نظیر: عربستان، امارات، لیبی، الجزایر، هندوراس	۱۰	۱۰ و کمتر
کشورهایی نظیر: سوریه، ایران، پاکستان، اکوادور، دومینیکن	۱۰	۱۰-۲۰
کشورهایی نظیر: بولیوی، ایرلند، سومالی، مکزیک، آرژانتین	۳۰	۲۰-۳۰
کشورهایی نظیر: بریتانیا، بلژیک، ترکیه، کره، ژاپن	۴۴	۴۰-۳۰
کشورهایی نظیر: فنلاند، نیجر، سوئد، جامائیکا	۳۶	بالا تر از ۴۰

بر طبق نتایج سر شماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۲۱۲۰۲۰ نفر از زنان در جامعه به کار اشتغال داشتند. در سال ۱۳۶۵ این میزان به رقم ۹۸۷۱۰۳ نفر کاهش یافت. کاهش تعداد زنان شاغل آن هم در شرایطی که میزان جمعیت کشور رشد فزاینده ای دارد، نگران کننده است. آن دسته از زنانی که از امکانات مالی و اقتصادی بی بهره هستند و یا خانواده فقیر و غیر متمکنی دارند با پائین آوردن آمار اشتغال زنان در جامعه، باید مشکلات و مسائل سخت و کمرشکنی را تحمل نمایند. افزایش جمعیت غیر فعال (که عمدتاً محصلان و زنان خانه دار هستند) که از دلایل عمده این افزایش، محدودیت مشارکت زنان است، موجب می شود تا تعداد افراد تحت تکفل که متکی به درآمد افراد شاغل هستند، بالا رود و نیز باعث سنگینی بار تکفل خواهد شد، در حالی که زنان به عنوان در صدی از نیروی انسانی می توانند خود مولد باشند. وضعیت جمعیت فعال و غیر فعال زنان و نیز میزان اشتغال آنها نسبت به کل جمعیت فعال در دو جدول به ترتیب نشان داده می شود:

جدول شماره ۵: جمعیت زنان ۱۰ ساله و بالاتر بر حسب وضع فعالیت [۱۵]

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال			جمعیت غیر فعال		
		جمع	شاغل	بیکار	جمع	محصل	خانه‌دار
۱۳۳۵	۶۲۴۲	۵۷۶	۵۷۳	۳	۵۶۶۶	۱۸۶	۲۹۶۴
۱۳۴۵	۸۲۰۶	۱۰۳۳	۹۴۴	۹۰	۷۱۷۲	۶۱۰	۶۰۱۷
۱۳۵۵	۱۱۲۰۶	۱۴۴۹	۱۲۱۲	۲۳۷	۹۷۷۵	۱۶۶۴	۷۷۰۷
۱۳۶۵	۱۶۰۳۳	۱۳۰۷	۹۷۵	۳۳۳	۱۴۷۲۵	۲۶۵۹	۱۱۰۱۱
۱۳۷۰	۱۸۶۵۸	۱۶۳۰	۱۲۳۱	۳۹۸	۱۶۸۱۳	۴۱۰۲	۱۱۸۷۹
۱۳۷۵	۲۲۳۷۹	۲۰۳۷	۱۷۶۵	۲۷۲	۲۰۱۲۴	۵۹۵۵	۱۳۰۷۳

بررسی وضعیت سواد زنان با توجه به نتایج سر شماری سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

برطبق سر شماری عمومی سال ۱۳۶۵ نسبت تعداد مردان به زنان در ایران ۱۰۵٪ است که به دلیل برابری تعداد زن و مرد، انتظار می رود خدمات اجتماعی و میزان فعالیت های اقتصادی نیز به طور مساوی بین آنان تقسیم شود. لیکن آمار نشان می دهد که فعالیت مردان چندین برابر زنان است. این تفاوت را به وضوح می توان در آمار مربوط به وضعیت شغلی آنان و نیز انواع مشاغل مشاهده کرد. (به طور مثال در بین ۱۰۵۴۰۰۰ نفر کارکنان مشاغل علمی و تخصصی زنان تنها ۲۴۳۰۰۰ نفر از آنان را تشکیل می دهند، در حالی که تعداد مردان به ۷۱۹۰۰۰ نفر می رسد در سطح مدیران و کارمندان عالی رتبه اداری نیز تعداد زنان ۲۰۰۰ نفر و مردان ۴۳۰۰۰ نفر است. نگاهی به وضعیت سواد زنان در این دهساله بیانگر این مطلب است. گرچه در فاصله ده ساله ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نسبت باسوادی زنان همچون کل کشور افزایش یافته و از ۳۵/۵ درصد به ۵۲/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است، لیکن از این طرف نسبت با سوادان مرد همچنان در سطح پائین تری قرار گرفته است و از طرف دیگر نسبت با سواد زنان روستایی کشور در پائین ترین سطح خود در سال ۱۳۶۵ (یعنی ۳۶ درصد) قرار دارد. به رغم افزایش نسبی با سواد در فاصله مذکور تعداد با سوادان بالاخص در بین زنان شهری بیشتر از تعداد آنها در سال ۱۳۵۵ شده است. کاهش اندک تعداد بی سوادان در مناطق روستایی به دلیل مهاجرت های روستا بوده است نه گسترش امکانات آموزشی در سطح روستاها. از طرف دیگر افزایش تعداد با سوادان در گروه سنی زیر ۱۵ سال بوده است و نسبت با سواد جمعیت زنان در سنین باروری افزایش کمتری نسبت به سطح عمومی سواد زنان داشته است. با توجه به ادامه تحصیل زنان در سطوح بالا و دانشگاهی و اثر آن در کاهش باروری و زاد و ولد زنان لازم است زمینه های ادامه تحصیل زنان فراهم گردد تا بتوانند با استفاده از امکانات آموزشی توان علمی و تخصصی خویش را بالا برده و در جهت شکوفای اقتصادی مؤثر واقع گردند.

جدول شماره ۶: تعداد و نسبت باسوادان ۶ ساله و بالاتر کشور در سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ [۱۵]

		۱۳۶۵				۱۳۵۵				نواحی
زن		زن و مرد		زن		زن و مرد		درصد	تعداد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۵۲/۱	۹۸۳۵۲۹۹	۶۱/۸	۲۳۹۱۳۱۹۵	۳۵/۵	۴۶۷۹۰۸۸	۴۷/۹	۱۲۸۷۷۰۷۵		کل	
۶۵/۴	۶۷۴۱۹۴۱	۷۳/۱	۱۵۵۰۶۶۶۶	۵۵/۶	۳۴۸۲۸۴۶	۶۵/۵	۸۶۲۸۲۳۹		شهری	
۳۶/۰	۳۰۹۳۳۵۸	۴۸/۰	۸۴۰۶۵۲۹	۱۷/۳	۱۱۹۶۲۴۲	۳۰/۵	۴۲۴۸۸۳۶		روستایی	

رابطه بین میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال

رابطه آموزش و تمایل به کارکردن زنان بطور قاطع بستگی به امکانات و تسهیلات آموزشیو تربیت حرفه ای دارد که در اختیار مردان و زنان گذارده می شود. هر چند که دوگانگی از نظر فعالیت اقتصادی می تواند وجود همبستگی بین آموزش و میزان فعالیت زنان را تعیین کند ولی تا انجام بررسیهای دقیق و ژرفاگر باید آنرا با قید احتیاط تلفی کرد. دیگر اینکه با فراهم کردن امکانات آموزشی و تربیت حرفه ای می توان انتظار داشت مشارکت زنان در زندگی اقتصادی بیشتر شود و رابطه مثبت بین سطح آموزش و فعالیت اقتصادی زنان برقرار گردد.

هر اندازه آموزش و تربیت حرفه ای برای زنان امکان پذیرتر باشد به همان اندازه موانع و مشکلات برای بدست آوردن مشاغل سطح بالاتر با حقوق و مزایای بهتر رو به کاهش می گذارد. به هر حال آموزش زنان برای مشارکت آنان در زندگی اقتصادی تأثیر مثبت دارد و امکان اشتغال را گسترده تر می کند. همچنین توقعات و انتظارات را بطور قابل ملاحظه ای افزایش می دهد و نفوذ سنت های فرهنگی را تضعیف می کند. آموزش آثار غیر مستقیم ولی مثبت دارد. از جمله زنان را از داشتن فرزندان زیاد باز می دارد. همچنین آنان را تشویق می کند که دیرازدواج کنند و حاملگی های خود را به عقب بیندازند. تمام این دگرگونی ها موافق ورود زنان به بازار کار است. مسأله مهم این است که پس از فراغت از تحصیل دختران به انجام حرفه ای تشویق شوند. ((بررسیهای کشورهای صحنه نشان می دهد هرگاه دختران پس از خاتمه تحصیلات به جمعیت فعال نپیوندند دیگر مشکل است که بتوان آن ها را بعداً به بازار کار کشانید)).

رابطه اشتغال زن و درآمد

دراین جامعه نمونه ۸۶ درصد زنان غیرشاغل و فقط ۱۴ درصد شاغل بودند. از کل شاغلین ۲۸/۵۷ درصد را زنان با مشاغل عالی و ۷۱/۴۲ درصد را کارمندان ساده دولت تشکیل می دهند که سه مسأله زیر قابل توجه است.

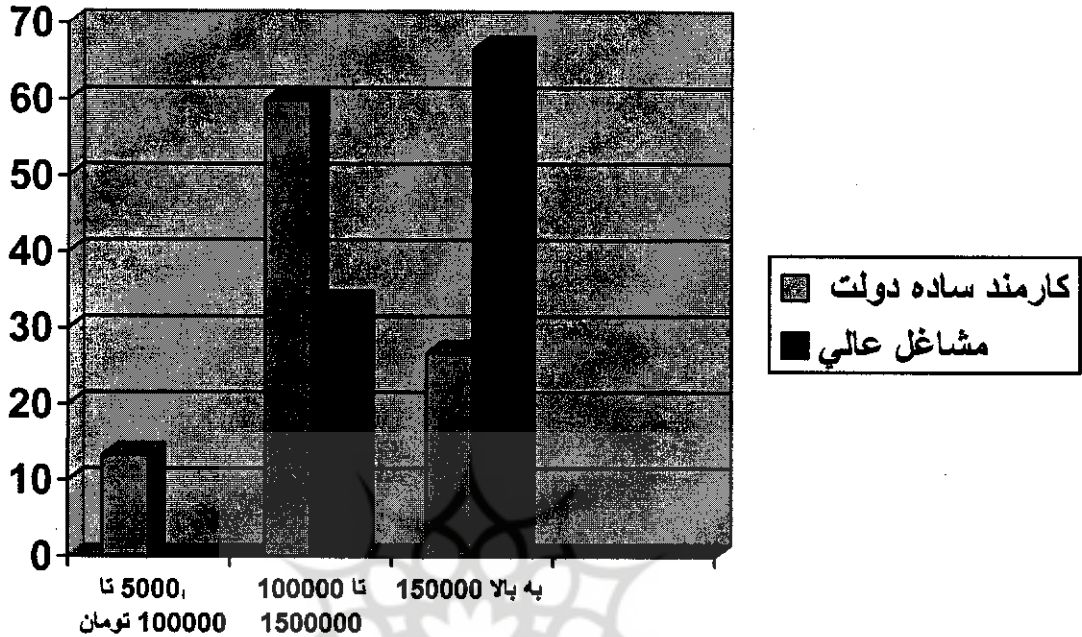
- ۱- پایین بودن میزان اشتغال زنان
- ۲- پایین بودن درصد زنان شاغل درمشاغل عالی
- ۳- پایین بودن میزان درآمد زنان شاغل بطوریکه بیش از ۷۰ درصد زنان شاغل درکارهای ساده دولتی، ماهیانه کمتر از ۱۵۰ هزار تومان دریافت می دارند.

جدول شماره ۷: رابطه بین نوع میزان درآمد

میزان درآمد نوع شغل	۵۰-۱۰۰ هزار تومان	۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان	۱۵۰ هزار تومان به بالا	جمع
مشاغل عالی	۰ (۱/۷۱)	۶ (۹/۴۲)	۱۲ (۶/۸۵)	۱۸
کارمند دولت	۶ (۳/۲۸)	۲۷ (۲۳/۵۷)	۱۲ (۱۷/۱۴)	۴۵
جمع	۶	۳۳	۲۴	۶۳
توزیع درصدی				
مشاغل عالی	۰	۳۳/۳۳	۶۶/۶۶	۱۰۰
کارمند دولت	۱۳/۳۳	۶۰	۲۶/۶۶	۱۰۰

برای تبیین و تحلیل جدول از χ^2 استفاده میکنیم. χ^2 محاسبه شده با درجه آزادی $df = 2$ برابر با $9/45 = \chi^2$ می باشد که از χ^2 جدول بزرگتر است و با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت رابطه معنی درای بین اشتغال و درآمد زنان وجود دارد و درستی فرضیه ما را ثابت می کند.

نمودار شماره ۱: ستونی زنان جامعه نمونه برحسب نوع شغل و میزان درآمد



همچنین اگر از ضریب توافق (Pt) استفاده کنیم باز به وجود رابطه بین ایندو و متغیر پی خواهیم برد.

$$Pt = 0/11$$

هرچه تحصیلات زن به اندازه شوهر و یا بالاتر از او باشد زن برای تأمین قسمتی از منابع خانواده به فعالیت می پردازد.

جدول شماره ۸: رابطه بین درآمد شوهر و اشتغال زن

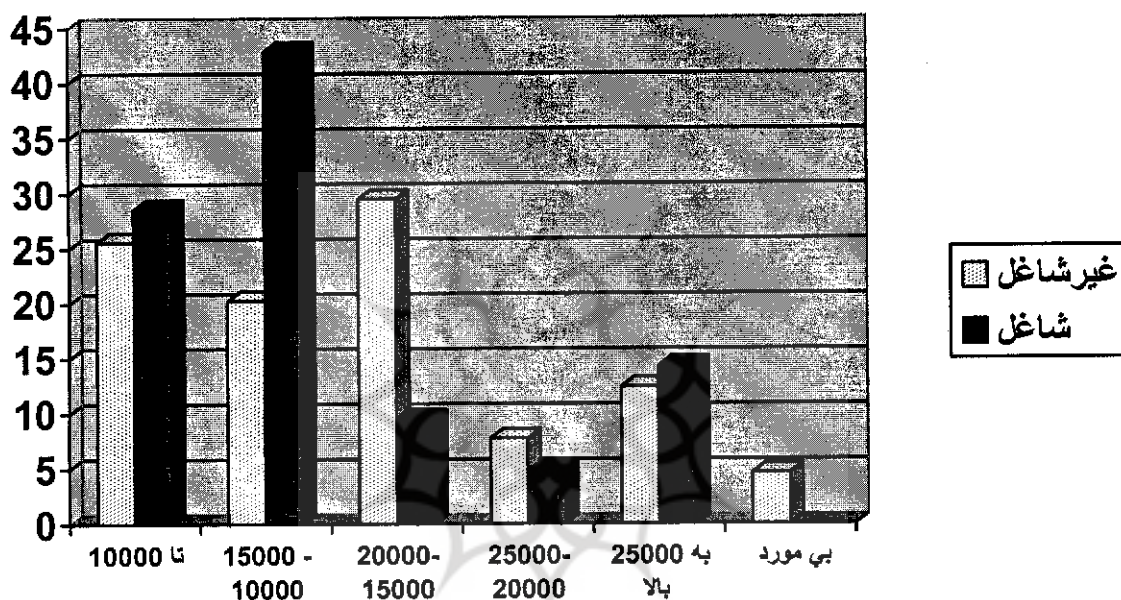
میزان درآمد و وضعیت اشتغال زن	تا ۱۰۰ هزار تومان	۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان	۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان	۲۵۰ هزار تومان به بالا	بی مورد	جمع
شاغل	۱۸ (۱۶/۳۸)	۲۷ (۱۴/۷)	۶ (۱۶/۸)	۳ (۴/۴۲)	۹ (۷/۹۸)	۶۳ (۳/۵۲)
غیرشاغل	۹۹ (۱۰۰/۶۲)	۷۸ (۹۰/۴)	۱۱۴ (۱۰۳/۲)	۳۰ (۲۸/۳۰)	۴۸ (۴۹/۰۲)	۳۸۷ (۱۵/۴۸)
جمع	۱۱۷	۱۰۵	۱۲۰	۳۳	۵۷	۴۵۰
توزیع درصدی						
شاغل	۲۸/۵۷	۴۲/۸۵	۹/۵۲	۴/۷۶	۱۴/۲۸	۱۰۰
غیرشاغل	۲۵/۵۸	۲۰/۱۵	۲۹/۴۵	۷/۷۵	۱۲/۴۰	۱۰۰

$$df = 5 \quad \chi^2 = 22/26$$

از مقایسه درآمد شوهران شاغل و غیرشاغل نتیجه می گیریم که میزان درآمد شوهران زنان شاغل به میزان درآمد شوهران زنان غیرشاغل بمراتب پایین تر است. بعبارتی یکی از انگیزه های اشتغال بکار زنان احتیاجات مالی و

کسب درآمد و برطرف نمودن نیازهای زندگی است و در صورتیکه درآمد شوهر جهت پاسخگویی به نیازهای مالی خانواده پاسخگو باشد زن کمتر گرایش بکار بیرون پیدا می کند. می توان گفت به احتمال ۹۹ درصد رابطه بین اشتغال زنان و درآمد شوهرانشان وجود دارد.

نمودار شماره ۲: ستونی درآمد (حقوق ماهیانه) شوهران زنان جامعه نمونه برحسب وضعیت اشتغال



اشتغال زنان و تعداد فرزندان

گرچه عوامل متعددی در نوسانات سطح باروری کشور دخالت دارند، لیکن اثر قاطع فاکتورهای مهم سواد و اشتغال زنان بالاخص زنان در سنین باروری غیرقابل انکار است.

از طرفی ایجاد زمینه های ایجاد مشارکت در خارج از منزل و اشتغال زنان در بازار کار می تواند به طرز فوق العاده ای به کاهش باروری منجر شود. به عبارتی گسترش زمینه های اشتغال و آموزش زنان موجبات استفاده از سایر راههای کنترل جمعیت و موفقیت آنها را به همراه دارد. در جدول شماره ۹ نشان می دهد که ۳۸/۰۹ درصد زنان شاغل دارای ۰-۲ فرزند، ۴۲/۸۵ درصد بین ۳-۵ فرزند، ۱۴/۲۸ درصد دارای ۶ فرزند و بیشتر و ۴/۷۶ درصد آنان بدون فرزند بوده اند. لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که رابطه معنی داری بین اشتغال و تعداد فرزندان زنان وجود دارد و بدین ترتیب فرضیه ما تایید می گردد.

جدول شماره ۹. رابطه بین اشتغال و باروری (تعداد فرزندان)

وضعیت اشتغال	تعداد فرزند	۰-۲	۳-۵	۶ به بالا	بی مورد	جمع
شاغل	۲۴ (۲۰/۱۶)	۲۷ (۲۰/۱۶)	۹ (۱۶/۸)	۳ (۵/۸۸)	۶۳	
غیرشاغل	۱۲۰ (۱۲۳/۸۴)	۱۱۷ (۱۲۳/۸۴)	۱۱۱ (۱۰۳/۲)	۳۹ (۲۶/۱۲)	۳۸۷	
جمع	۱۴۴	۱۴۴	۱۲۰	۴۲	۴۵۰	
توزیع درصدی						
شاغل	۳۸/۰۹	۴۲/۸۵	۱۴/۲۸	۴/۷۶	۱۰۰	
غیرشاغل	۳۱	۳۰/۲۳	۲۸/۶۸	۱۰/۰۷	۱۰۰	

$$df = 3 \quad \chi^2 = 14/08$$

اشتغال زنان و سن ازدواج

جدول ۱۰ نشان می دهد که ۹/۵۲ درصد زنان شاغل بین سنین ۱۹-۱۵ سالگی و ۷۱/۴۲ درصد آنان در سنین ۲۰-۲۴ سالگی و ۱۴/۲۸ درصد آنان در سنین ۲۹-۲۵ سالگی و ۷/۶۷ درصد در سنین ۳۴-۳۰ سالگی اولین ازدواج خود را داشته اند.

در بین زنان غیرشاغل ۱۷/۰۵ درصد در سنین ۱۴-۱۰ سالگی، ۵۲/۷۱ درصد در سنین ۱۹-۱۵ سالگی و ۲۰/۹۳ درصد در سنین ۲۴-۲۰ سالگی و ۴/۶۵ درصد در سنین ۳۰-۲۵ سالگی و ۴/۶۵ درصد در سنین ۳۴-۳۰ سالگی ازدواج کرده اند. می بینیم که در بین زنان شاغل زیر ۱۴ سال ازدواجی صورت نگرفته و اما ۱۷ درصد زنان غیرشاغل زیر ۱۴ سال ازدواج کرده اند.

همچنین بالاترین رقم سن ازدواج در شاغلین سن ۲۴-۲۰ سالگی و در حدود ۷۱/۴۲ درصد می باشد در حالیکه این رقم در غیر شاغلین مربوط به سن ۱۹-۱۵ سالگی و در حدود ۵۲/۷۱ درصد می باشد.

جدول شماره ۱۰: رابطه بین وضع اشتغال و سن ازدواج

وضعیت اشتغال	سن ازدواج	۱۰-۱۴	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	جمع
شاغل		۰ (۹/۲۴)	۶ (۲۹/۴)	۴۵ (۱۷/۶۴)	۹ (۳/۷۸)	۳ (۲/۹۴)	۶۳
غیرشاغل		۶۶ (۵۶/۷۶)	۲۰۴ (۱۸۰/۱۶)	۸۱ (۱۰۸/۳۶)	۱۸ (۲۳/۲۲)	۱۸ (۱۸/۰۶)	۳۸۷
جمع		۶۶	۲۱۰	۱۲۶	۲۷	۲۱	۴۵۰
شاغل		۰	۹/۵۲	۷۱/۴۲	۱۴/۲۸	۷/۶۷	۱۰۰
غیرشاغل		۱۷/۰۵	۵۲/۷۱	۲۰/۹۳	۴/۶۵	۴/۶۵	۱۰۰

$$df = 4 \quad \chi^2 = 90/09$$

به اطمینان ۹۹٪ می تواند گفت که بین اشتغال زنان و سن ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد. Pt نیز برابر ۱۰٪ = ضریب توافق بوده که توافق معنی داری را نشان می دهد. $\chi^2 = 90/09$ محاسبه $\chi^2 = 18/5 < 18/5$ جدول در سطح ۱٪ می باشد.

رابطه بین میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال

رابطه آموزش و تمایل به کار کردن زنان بطور قاطع بستگی به امکانات و تسهیلات آموزشی و تربیت حرفه ای دارد که در اختیار مردان و زنان گذارده می شود. هرچند که دوگانگی از نظر فعالیت اقتصادی می تواند وجود همبستگی بین آموزش و میزان فعالیت زنان را تعیین کند ولی تا انجام بررسیهای دقیق و ژرفاگر باید آن را با قید احتیاط تلقی کرد. دیگر اینکه با فراهم کردن امکانات آموزشی و تربیت حرفه ای می تواند انتظار داشت مشارکت زنان در زندگی اقتصادی بیشتر شود و رابطه مثبت بین سطح آموزش و فعالیت اقتصادی زنان برقرار گردد [۱].

غالباً مشاغل زنان تحصیل کرده با حیثیت و درآمدی که فکر می کنند استحقاق آن را دارند و با تحصیلاتی که انجام داده اند هماهنگ نمی باشد. در بیشتر موارد به زنان مشاغل پایین تر از مردان هم سطح آنان از نظر آموزشی واگذار می شود، بدون توجه به علل آن ای وضع در زنان حس و آخوردگی ایجاد میکند و گاهی نیز منجر می شود به اینکه بجای قبول مشاغل پایین تر خود را از زندگی حرفه ای کنار بکشند.

χ^2 محاسبه شده برابر با ۳۲۷/۳ می باشد که از χ^2 جدول با درجه آزادی ۶ در سطح ۱٪ به مراتب بیشتر است و لذا قضاوت خواهیم نمود که با اطمینان ۹۹ درصد معنی داری بین میزان تحصیلات زنان و وضعیت اشتغال آنان وجود دارد. Pt نیز توافق بین این دو را نشان می دهد. پس فرضیه ما تایید می گردد.

برای تحلیل و تبیین جدول به سراغ χ^2 می رویم که پس از مقایسه χ^2 محاسبه شده با χ^2 جدول در سطح ۱٪ با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت که رابطه معنی داری بین اشتغال زنان و مشارکت در امور اجتماعی - فرهنگی وجود دارد.

جدول شماره ۱۱: رابطه بین وضعیت اشتغال زنان و میزان تحصیلات

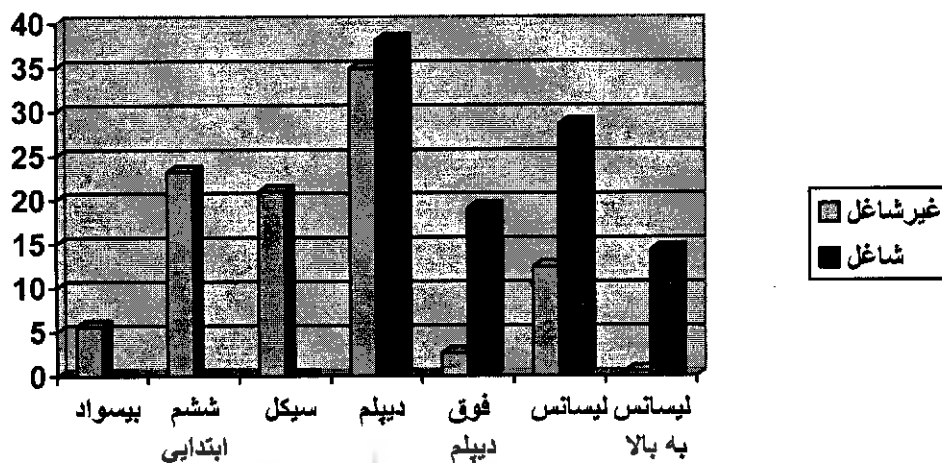
میزان تحصیلات وضعیت اشتغال	بی سواد	ششم ابتدایی	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	لیسانسی به بالا	جمع
شاغل	۰ (۲/۹۴)	۰ (۱۲/۶)	۰ (۱۱/۳۴)	۲۴ (۲۲/۲۶)	۱۲ (۳/۰۸)	۱۸ (۹/۲۴)	۹ (۱/۵۴)	۶۳
غیرشاغل	۲۱ (۱۹/۴۵)	۹۰ (۷۷/۴)	۸۱ (۶۹/۶۶)	۱۳۵ (۱۳۶/۷۴)	۱۰ (۷۸/۹۲)	۴۸ (۵۶/۷۶)	۲ (۹/۴۶)	۳۸۷
جمع	۲۱	۹۰	۸۱	۱۵۹	۲۲	۶۶	۱۱	۴۵۰
شاغل	۰	۰	۰	۳۸/۰۹	۱۹/۰۴	۲۸/۵۷	۱۴/۲۸	۱۰۰
غیرشاغل	۵/۴۲	۳۲/۲۵	۲۰/۹۳	۳۴/۸۸	۲/۵۸	۱۲/۴۰	۰/۵۱	۱۰۰

$$df = 6 \quad \chi^2 = 327/3$$

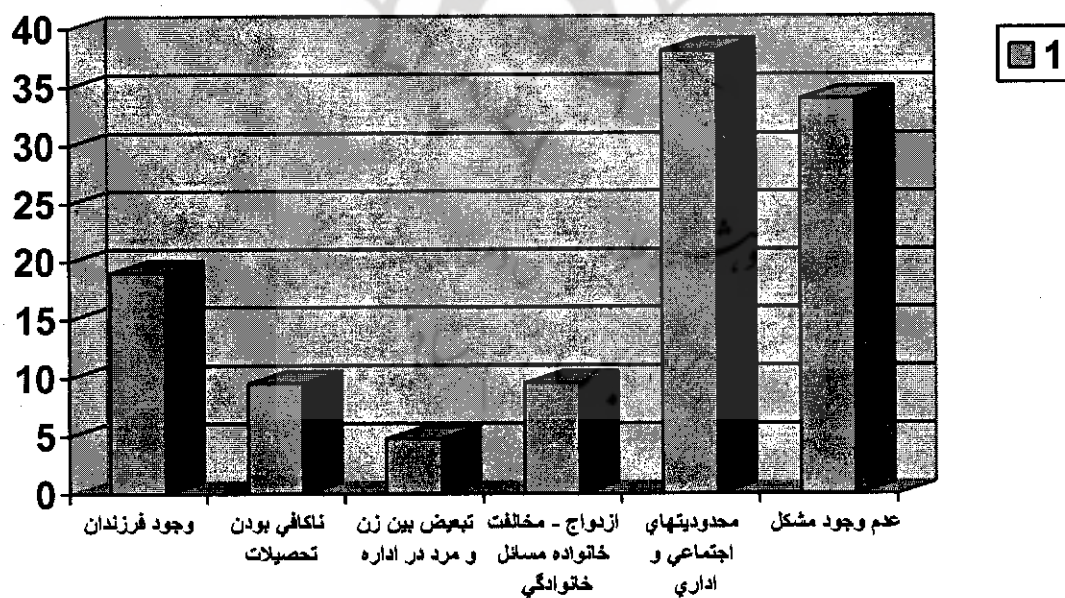
نتایج تحقیق :

اولاً می بینیم که زنان دلایل مختلفی را بعنوان موانع در اشتغال بیرون ذکر کرده اند که برخلاف نظر اکثر مردم که عدم نیاز مالی یا عدم علاقه و یا عدم تحصیلات کافی را دلیل عمده سرکار نرفتن زنان می دانند در اینجا دلیل عمده وجود فرزندان در خانواده بوده است که می توان گفت زنان بخاطر فرزندانشان این ایثار را کرده اند که سرکار نروند و در خانه به مراقبت و تربیت آنان بپردازند. ثانیاً در بعضی از زنان نه تنها یک دلیل خاص بلکه دلایلی در کنارهم موجبات عدم اشتغال آنان به کار بیرون را فراهم کرده است. امید است که در آینده با اتخاذ تدابیر مناسب این موانع از سرراه زنان برداشته شود.

نمودار شماره ۳: ستونی زنان جامعه نمونه بر حسب میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال



نمودار شماره ۴: ستونی زنان شاغل جامعه نمونه بر حسب نوع مشکل در پیشرفت شغلی



جدول شماره ۱۲: رابطه بین اشتغال زنان و شرکت در امور اجتماعی - فرهنگی

وضعیت مشارکت وضع اشتغال	شرکت می کند	شرکت نمی کند	جمع
شاغل	۳۹ (۱۲/۲۸)	۲۴ (۴۸/۷۲)	۶۳
غیرشاغل	۶۳ (۸۷/۷۲)	۳۲۴ (۲۹۹/۲۸)	۳۸۷
جمع	۱۰۲	۳۴۸	۴۵۰
شاغل	۶۱/۹۰	۳۸/۰۹	۱۰۰
غیرشاغل	۱۶/۲۷	۸۳/۷۲	۱۰۰

به منظور تحقق برابری فرصت ها و حقوق و مزدها برای زنان و مردان باید مورد توجه قرار گیرد. پدیده های اجتماعی فوق الذکر ارتباطی نزدیک با همدیگر دارند. باید آنها را باز شناخت و برای دگرگونی در وضع زن در دنیای کار مورد بررسی قرار داد. این امر آسان و سهل حاصل نمی شود زیرا با نظام ارزشهای کنونی که حاکم بر زندگی ماست بیشتر افراد بطور طبیعی به برتری مرد نسبت به زن در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اعتقاد دارند. از انگیزه های اشتغال بکار زنان احتیاجات مالی و کسب درآمد و برطرف نمودن نیازهای زندگی است و در صورتیکه درآمد شوهر جهت پاسخگویی به نیازهای مالی خانواده پاسخگو باشد زن کمتر گرایش بکار بیرون پیدا می کند.

همچنین بین اشتغال زنان و سن ازدواج و اشتغال و مشارکت اجتماعی - فرهنگی با تحصیلات آنان رابطه مستقیمی را نشان می دهد.

پیشنهادات:

- نتایج تحقیق در قالب پیشنهادات زیر ارائه می گردد:
- پیشنهاد می شود وزارت کار با همکاری سایر وزارتخانه ها و سازمان ها نسبت به رفع تبعیض و نبود فرصت های برابر شغلی اقدام نموده تا بدین وسیله دستیابی زنان به مشاغل گوناگون فراهم گردد.
 - توصیه می گردد وزارتخانه های مختلف و سازمان کار و تأمین اجتماعی در مورد تقلیل ساعت کار بانوان اقداماتی را به اجرا گذارند، تا مشاغل بیرون از خانه لطمه ای به زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان نزد.
 - زنان شاغل با مدرک تحصیلی بالاتر عوامل تبعیضاتی را، زنان شاغل با سنوات خدمتی بیشتر، عوامل آموزشی را و زنان متأهل عوامل اقتصادی را در بروز مشکلات شغلی مؤثر دانسته اند، که این تفاوت ها باید توسط متولیان امر قرار گیرد.

- شناخت و توجه به فعالیت زن در خانواده بوسیله ی دولت ها ، به عنوان نقش اساسی زن در خانواده و تعمیم بیمه های اجتماعی برای زنان خانه دار در کلیه زمینه ها و تأکید بر خود اشتغالی زنان در کلیه زمینه ها و تأکید بر خود اشتغالی زنان در منزل و پذیرش کار خانه به عنوان یک شغل .
- مشارکت زنان در تعیین نوع و سمت و سوی توسعه و الگوها و برنامه های توسعه ای کشور با دستیابی بر بهداشت بهتر ، درآمد بهتر ، مهارت ها و تکنولوژی ، برابری حقوقی و تسلط بر جسم و بدن خویش .
- ایجاد مراکز مشاوره راهنمایی خانوادگی برای زنان و ارائه آموزش های لازم از طریق این مراکز جهت برخورد شایسته ی زنان با مسائل خانوادگی و اجتماعی خویش .
- تدوین مقررات حمایتی و قانونی جهت ایجاد شرایط مناسب استخدامی.

فهرست منابع

- ۱- امین زاده فرخ، جمعیت شناسی کار، جلد دوم، ۱۳۵۸، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۸۱.
- ۲- آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، گوتنبرگ، ۱۳۷۲.
- ۳- بلاتشار فرانسویس، اشتغال فرد در جهان پر آشوب، گزارش کارکنان ارشد دفتر بین المللی کار درباره اشتغال، مترجم عزیز کیاوند، وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول ۱۳۶۶، چاپخانه وزارت برنامه و بودجه.
- ۴- بهنام جمشید، ساخت خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶.
- ۵- تحقیقات مسائل زنان، دوره اول، شماره ۲ و ۳ (زمستان ۱۳۷۲ و بهار ۱۳۷۳).
- ۶- تیلا عباس، زن در آئینه تاریخ، چاپ صنوبر، تهران ۱۳۷۱.
- ۷- جاراللهی عذرا، تاریخچه اشتغال زن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره اول شماره ۳ و ۴، (زمستان ۱۳۷۱ و بهار ۱۳۷۳).
- ۸- جزایری، شهین، (۱۳۷۴-۱۳۷۵)، توسعه منابع انسانی در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۹- خلیلیان خلیل، سیمای زن در قرآن و زنان بزرگ در صدر اسلام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۹.
- ۱۰- دورانت ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریافت خوبی، نشر اندیشه، ۱۳۷۰.
- ۱۱- زمردیان محمد جعفر، اصول و مبانی عنوان ناحیه ای، ۱۳۶۳.
- ۱۲- زنجانی زاده هما، نقش زن و توسعه در جهان سوم، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره اول و دوم، سال ۱۳۶۹.
- ۱۳- شناسنامه فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی بانوان اصفهان، دفتر امور اجتماعی استانداری، ۱۳۸۰.
- ۱۴- گزینة اقتصادی، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۰.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵.
- ۱۶- معموری سیده معصومه، (۱۳۷۶)، بررسی میزان مشارکت زنان در توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، (۱۳۶۵-۱۳۷۵).

17- ILO, yearbook of labour statistics 1988, (geneva: ILO)

18- Doyle, J. Paludi, M. (1998) Sex & Gender. Mc Graw Hill.

- 19-Humphrey.J.(1987)*Gender and work in the third world. Taristock Publication London and New York.*
- 20-Perelberg.R.J.MillerA-c(1990)*Gender & Power in families. Routlege.*
- 21-Pla(*provident life after death putting aprice on your wife lifelines NO3.*
- 22-Vaare. Tikam.(1992)*women in development2001.1.2 Bassis. M& etal(1991) sociology an Introuduction. MC Graw-Hill .Inc.1.*

